

صلیب سرخ و هلال احمر راه امدادرسانی را باز می کنند

استمداد اضطراری برای کمک به افغانستان

جلسه مشترک میان رئیس کمیته بین المللی صلیب سرخ و روسای جمعیت های ملی باموضوعیت افغانستان برگزار و به زودی استمداد اضطراری برای کمک به مردم این کشور از سوی کمیته منتشر خواهد شد. جلسه مشترک روسای جمعیت های ملی هلال احمر با پیتر مائورر، رئیس کمیته بین المللی صلیب سرخ باموضوعیت افغانستان، برگزار شد. رئیس کمیته بین المللی صلیب سرخ در این جلسه عنوان کرد: «بزرگ ترین چالش امروز افغانستان، از بین رفتن زیرساخت ها به واسطه جنگ های ۴۰ سال اخیر است. فقر در افغانستان گسترش یافته و امروز مردم این کشور نیازمند کمک های بین المللی گسترده هستند. در همین راستا به زودی استمداد اضطراری برای کمک به افغانستان از سوی کمیته بین المللی صلیب سرخ منتشر خواهد شد. مائورر در بازدید اضطراری از کشور افغانستان و شهرهای کابل، لشکرگاه و قندهار، با ملا برادر از سران طالبان نیز دیدار کرده بود تا آخرین وضعیت افغانستان را بررسی کند که در جلسه مشترک با روسای جمعیت های ملی، علاوه بر بررسی آخرین تحولات و راه های امدادرسانی به کشور افغانستان، گزارشی از این سفر نیز ارائه شد.

دکتر کریم همتی، رئیس جمعیت هلال احمر ایران نیز در این جلسه، گزارشی از عملکرد و برنامه هلال احمر ایران برای کمک به پناهندگان و آوارگان افغانستانی ارائه کرد. لازم به ذکر است، رئیس جمعیت هلال احمر ایران با حضور میدانی در مرزهای کشور، مشکلات این عرصه را از نزدیک ارزیابی کرده بود. هلال احمر ایران در استان های خراسان رضوی، جنوبی و سیستان و بلوچستان به ارائه خدمات به پناهنجویان اقدام کرده و در حوزه سلامت، بهداشت، تغذیه، اسکان اضطراری، حمایت های روانی و بازپسوند خانواده های اقدامات زیادی برای کمک به مردم افغانستان در دستور کار قرار داده است. خدمات اولیه به پناهنجویان به صورت کامل ارائه شده و آنها مطابق برنامه ریزی انجام شده به کشور مبدأ مراجعت داشتند. هلال احمر ایران به آن دسته از پناهنجویان که به صورت غیرقانونی نیز وارد ایران شده بودند خدماتی ارائه داده و نیازهای درمانی آنها را برطرف کرد.

پاسدار حضور مردم در عرصه فعالیت های داوطلبانه باشیم

آئین تکریم و معارفه مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در این سازمان با حضور حجت الاسلام والمسلمین عبدالحسین معزی، نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر، دیگر مسئولان دفاتر حوزه نمایندگی ولی فقیه در سازمان های جمعیت و مدیران سازمان داوطلبان در سازمان داوطلبان برگزار شد. نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر با بیان اینکه نهضت بین المللی صلیب سرخ هلال احمر در دنیا بر اساس فعالیت های داوطلبانه شکل گرفته است، خاطر نشان کرد: «همواره داوطلبان با بهره گیری از توان مالی، علمی و اجتماعی به صورت افتخاری در خدمت جامعه بوده اند و سعی ما در حوزه نمایندگی ولی فقیه و سازمان های جمعیت هلال احمر بر این است تا در امتداد گسترش فرهنگ دینی، این سرمایه عظیم با نظارت بر شفاف سازی در هزینه کرد آنها حفظ و حضور مردم در عرصه فعالیت های داوطلبانه بیش از پیش تقویت شود.» حجت الاسلام والمسلمین عبدالحسین معزی در این آیین با تسلیت سالروز شهادت امام حسن مجتبی (ع)، سبط اکبر پیامبر (ص) اظهار کرد: «کلمه داوطلب را می توان در تراز توصیف جمعیت هلال احمر قلمداد کرد چرا که داوطلبان پیشرو و مقدم برای ورود به تمامی عرصه های امور خیر و اجتماعی هستند و سازمان داوطلبان به تعبیر درست، دستی میان توانمندان و نیازمندان است که در سال های اخیر ارایه طیف وسیعی از خدمات، بیانیگر تلاش گسترده و هدفمند سازمان داوطلبان است.» او یکی از محورهای فعالیت حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر را هدایت تبرعات، نظارت بر نحوه هزینه کرد آنها و شفاف سازی به منظور ارایه به مقام معظم رهبری (مدظله العالی) و آحاد مردم نیکوکار عنوان کرد و افزود: «مردمان انسان های قدرشناسی هستند و خدمت رسانی صادقانه به مردم می تواند اعتماد آنها را جلب کند.» حجت الاسلام والمسلمین معزی محور دوم را تبیین صحیح فرهنگ دینی - اسلامی و نشر و گسترش معارف دینی و از همه مهم تر ارتقای فرهنگ داوطلبی یا جذب نیروهای داوطلب و نگهداشت آنها تعریف کرد و افزود: «تلاش می کنیم این فرهنگ ارزشمند را با بیان عقلانی و قرآنی برای مردم تبیین کنیم، تا علاوه بر شرکت در مجالس عزاداری و عرض ارادت به خاندان نبی مکرم (ص)، از این مکتب الهی بیاموزیم و امر انبیا و ائمه معصومین (ع) را احیا کنیم.» او با تاکید موقت بر اهمیت مناسک و احکام شرعی و ادای نماز و فضیلت های بی شمارش، این فریضه را شاخصه امت مسلمان و مذهبی دانست و تصریح کرد: «در مکتب آسمانی اسلام، کار داوطلبی برای خدا مطرح است چرا که یگانه راه نجات بخش بر اساس احادیث، خدمت به عیال الله است و این ویژگی موجب متمایز شدن کار داوطلبی در جمعیت هلال احمر ایران نسبت به جمعیت ملی سایر کشورها شده است.» در پایان این آئین از زحمات حجت الاسلام مهدی فقیه تقدیر به عمل آمد و حجت الاسلام سیدمهدی موسوی نیان نیز با حکم نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر به عنوان مسئول جدید دفتر نمایندگی ولی فقیه در سازمان داوطلبان منصوب و معارفه شد.



نجات یک جوان از عمق ۲۰۰ متری زمین به روایت مهدی ارشادی، امدادگر

معجزه در غار آقاسید عیسی

فاطمه عسگری نیبا غار آقاسید عیسی

یکی از غارهای صعب العبور ایران در استان چهارمحال و بختیاری است. غاری که قصه نجات زندگی یک جوان بیست و هفت ساله از عمق ۲۰۰ متری آن با کمک امدادگران جمعیت هلال احمر هم قصه ای شیرین و هم تجربه ای ترسناک بود. اینها را مهدی ارشادی می گوید: نجاتگر با سابقه جمعیت هلال احمر چهارمحال و بختیاری که اهل منطقه ای کوهستانی به نام فارس است. همین طبیعت بکر و کوهستانی بود که از او یک کوهنورد حرفه ای ساخت و بعدا به واسطه تسلطش به این رشته امدادگر داوطلب کوهستان شد. سی و هفت ساله و بانگیزه است. زردکوه را مانند کف دستش می شناسد؛ چون تمام کودکی و روزهای خوش زندگی اش در بالا و پایین های این کوه گذشته است. از ۱۵ سال پیش تا به امروز تمامی دوره های امدادی را پشت سر گذاشته و ۱۰ سالی می شود که درجه انبار دارد. در گپ و گفتی صمیمی با او درباره نجات جان این جوان از عمق ۲۰۰ متری غار سید عیسی و دیگر مأموریت هایش به گفت و گو نشستیم.

صدای نگران و پرتشویش پدر و مادرش می لرزید. هر دو ساعت ها بود که در مقابل ورودی غار منتظر پسرک کنجکاو و در درسازشان نشسته بودند. لباس های جوان غارنورد هنوز بیرون غار بود. گویا با لباس های ورزشی به داخل غار رفته بود. پدر و مادر باترس و دلهره دائم به درون غار نگاه می کردند؛ غار تاریک بود و جز پژواک صدایشان چیز دیگری به گوش نمی رسید. گاهی او را صدا می کردند و گاه از ناامیدی ضجه می زدند؛ ناامیدی تیم غواصی هم به نگرانی های آنها افزوده بود. چند ساعتی می شد که گروه غواصان در غار تاریک و سرد «سید عیسی» به دنبال پسر جوان عملیات جست و جورا آغاز کرده بودند؛ اما عبور از مسیرهای صعب العبور غار نیازمند مهارت و توان بالای نجاتگران کوهستان بود. به همین علت در نیمه های راه متوقف شدند تا تیم امداد کوهستان از راه برسد. مهدی ارشادی، همراه تیم امداد و نجات کوهستان چهارمحال و بختیاری هم برای کمک راهی غار شدند. غار آقاسید عیسی دوره پر آبی اش را سپری می کرد و رطوبت غار

به شدت بالا بود. «تیم غواصی برای تردد از مسیرهای صعب العبور غار از همراهی تیم امداد کوهستان بهره بردند. ابزار و تجهیزات کوهنوردی و غارنوردی تیم امداد کوهستان تردد را برای غواصان راحت تر می کرد. مسیرهای غار به حدی سخت، شیب دار و تاریک بود که باور عبور از آنها به وسیله یک جوان تنها و بدون امکانات باورکردنی نبود.» با توقف گروه غواصی در نیمه های راه، تیم امداد کوهستان همچنان به جست و جوی خود ادامه دادند و خود را به عمق پایین تر غار به جایی که قندیل های بزرگ و صعب العبوری وجود داشت، رساندند. خیلی هایشان گمان می کردند اینجا دیگر پایان غار است و ممکن نیست فردی به تنهایی تا این نقطه پیش رفته باشد، از قندیل های بزرگ گذشتند، بعد از عبور از قندیل ها، گمانه زنی ها برای ادامه راه یا بازگشت بین امدادگران مطرح شد. «تعدادی از دوستان با توجه به مسیر سخت و صعب العبور گفتند بعید است کسی بتواند این مسیر را بدون امکانات طی کند. هر چند این پیش بینی ها دور از منطق نبود اما وقتی یاد چشم انتظار پدر و مادرش در جلوی در غار افتادم اصرار به ادامه جست و جو کردم تا نکته مبهمی برای خودمان و خانواده پسرک جانمانند. چند قدمی از قندیل های سخت دور نشده بودیم که روی یکی از حوضچه ها پیکری جان جوانک را دیدیم. ابتدا فکر کردیم فوت کرده است، همین که به نزدیکی اش رسیدیم و بادست تکانش دادیم به خودش آمد و از شوق دیدن امدادگران انگار جان دوباره ای گرفت.»

فشارش به شدت پایین بود، تیم امدادی هم آذوقه ای به همراه نداشت. بچه هادر طول مسیر زمین خورده بودند و سرتا پا خیس شده بودند. «داخل جیب من یک شکلات خیس شده بود، همان را به دانشم گذاشتیم و شیرینی شکلات حالش را جا آورد. پسر جوان بعد از ۴۸ ساعت بی تحرکی و گرسنگی حسایی فشارش افتاده بود همین که شکلات را خورد سرحال و بلند شد و تمام مسیر را تا بیرون غار همراه امدادگران با پای خودش طی کرد.» نکته قابل توجه در این مأموریت خلافت هایی بود که پسر جوان برای رسیدن

به اهدافی که در سر داشت، به خرج داده بود. این جوان کنجکاو با استفاده از لوله های پلاستیکی برای خودش هدایت درست می کند و وارد غار می شود اما با رطوبت غار هدایت دست ساز او خاموش می شود و در تاریکی محض قرار می گیرد به همین علت نمی تواند راه رفته را بازگردد. «اغلب عملیات هایی که ما انجام می دهیم همراه با خاطرات تلخ است اما نجات این جوان بیست و هفت ساله از عمق ۲۰۰ متری غار سید عیسی همیشه جزو خاطرات ماندگار من است. عملیات سختی که در نهایت به نجات جان آن جوان منجر شد؛ آن هم در عمق تاریکی زمین و این راقط باید معجزه خدا دانست که به دست امدادگران انجام شد.»

سقوط سخت

به همان اندازه که این خاطره لیخند به لب او می آورد و حال دلش را خوب می کند، خاطره سقوط هواپیما در کوه دنا غمگینش می کند. حادثه دلخراشی که او و دوستانش را بیست و هشت روزی در منطقه دنا ماندگار کرد تا با حضورشان پایانی بر چشم انتظار خانواده های داغ دیده شوند. «هوا به شدت سرد بود، روز بیست و نهم بهمن ساعت ۸ صبح خبر رسید که بر اساس اعلام سازمان هواپیمایی یک هواپیما در منطقه دنا مفقود و از مدار خارج شده است. شنیدن این خبر دل همه ما را زلزد؛ به خصوص امدادگران هلال احمر و همه کسانی که می دانستند در چه منطقه خطرناکی این پرواز از مدار خارج شده است. همراه با گروهی از امدادگران به سمیرم اعزام شدیم و جست و جو برای یافتن هواپیمای مفقودی را از روستای «دنگرلو» شروع کردیم. باد و بوران می وزید و این شرایط کار را به شدت سخت می کرد. تا ارتفاع ۳ هزار متری جلو رفتیم اما با شدت وزیدن باد و بوران و شرایط جوی نامساعد مجبور به برگشتن از مسیر شدیم. هر لحظه ممکن بود با ریزش بهمن جان همه اعضای تیم به خطر بیفتد اما امدادگران گویا پیشان به عقب بر نمی گشت. گروه ما جزو گروه های پیشرو بود. همه اعضای تیم با وجود سختی و سرمای شدید جست و جورا در روزهای بعد ادامه دادیم. در مناطق پر برف کوهستانی

که قدم می گذاشتیم هر لحظه خطر سقوط یا ریزش بهمن تهدیدمان می کرد اما وقتی یاد خانواده های چشم به راه می افتادیم، عزم مان برای ادامه راه جزم تر می شد. روز سوم در حالی که تا ارتفاع ۴۲۰۰ متری نزدیکی های محل سقوط هواپیما صعود کرده بودیم بالگرد هلال احمر موفق به شناسایی نقطه برخورد و سقوط هواپیما شد. با این خبر تمام نیروهای امدادی به قرارگاه فرماندهی برگشتند تا طبق دستورات جدید کار جست و جوی باقیمانده های اجساد را دنبال کنیم.»

از قرارگاه فرماندهی همراه دوستانش راهی سی سخت و یاسوج می شود. «چندین روز در ارتفاعات این مناطق به جست و جو پرداختیم حتی تا ارتفاع ۴۱۰۰ متری هم صعود کردیم اما شرایط جوی نامناسب و بارش های فراوان اعضای تیم ما را مجبور به عقب نشینی کرد. تمام تیم ها برگشتند اما امکان جست و جو برای پیدا کردن اجساد نبود. همه تیم ها به استان های خود بازگشتند تا پنج روز بعد که دوباره فراخوان زدند و ما مجددا راهی منطقه شدیم. هوا بهتر شده بود موفق شدیم تعداد زیادی از اجساد را از زیر برف خارج کنیم. در منطقه شب مانی هم داشتند. در حین جست و جو بودیم که خبر زلزله سی سخت رسید. هیچ وقت آن شب ها و روزها را فراموش نمی کنم.»

هنوز خستگی حادثه دنا از تن شان بیرون نرفته بود که خبر سقوط هواپیمای ترکیه ای دوباره او و دیگر امدادگران را راهی ارتفاعات دنا کرد. «درست ۱۰ روز بعد از دنا بود که یک جت خصوصی ترکیه ای در ارتفاعات کوه هلن سقوط کرد؛ منطقه بسیار سخت و صعب العبور بود. با وجود اعزام تیم های امدادی از ترکیه اما امدادگران هلال احمر ایران همه جوهره پای کار بودند. برای ادامه کار جست و جو در منطقه ای باید از مسیر دره ای شکلی عبور می کردیم. چاره ای جز عبور با استفاده از سیم بکسل نبود. امدادگران ترک در همان لحظه انصراف دادند و فقط یک نفر از آنها به اجبار ما را همراهی کرد. در زمان کوتاهی موفق شدیم که تمام ۱۵ جسد ناشی از این سقوط را شناسایی و به خانواده هایشان تحویل دهیم.»